



ارتقای کیفیت با مدیریت خلاقانه منابع گفت‌وگو با مهندس ایرج کلانتری

مصاحبه کننده: پریا پارسا

با بهره‌گیری از تکنولوژی مدرن، کار دشواری است. مثلاً در مورد گرمایش و سرمایش، امکانات با گذشته کاملاً متفاوت است. قطعاً معمارانی که در این حوزه مأموریت پیدا می‌کنند، روحیه‌های متفاوتی دارند و با روش‌های مختلف کار می‌کنند. من احساس می‌کنم آنقدر پیرامون اهمیت ارزش‌های معماری در بافت‌های تاریخی بحث کردیم که اعتماد به نفس برای ورود به آنجا یا کار در آن بافت‌ها سلب شده است. این موضوع باید به مرور جا بیافتد که البته تنها از طریق آموزش مسائل تئوریک امکان‌پذیر نیست؛ بلکه باید به صورت تجربی آموخته شود.

ما باید در بعضی حوزه‌ها الگوسازی کنیم و نشان دهیم که در بافت تاریخی نیز می‌توان متناسب با معماری معاصر کار کرد و این‌ها هیچ تعارضی با هم ندارند. به عنوان مثال ما سعی کردیم در دانشگاه‌ها در ترم ۶ پروژه‌هایی را در بافت‌های تاریخی تعریف کنیم؛ اما نسل جوان به طور افراطی به دنبال ایجاد کنتراست می‌روند که این، تهدیدآمیز و قابل توجه است. بنابراین باید نمونه‌هایی را برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایجاد کرد. مکانیسم‌های هدایت و کنترل نیز بسیار مهم هستند چرا که ما فرصت‌های زیادی برای تجربیات خوب داریم، اما روش‌های مدیریتی درستی نداریم. باید ابداعاتی در روش‌های مدیریتی داشته باشیم. نبود بسیاری از کیفیت‌ها، معلول روش تصمیم‌گیری یا بوروکراسی مدیریتی است.

عموماً مطالعات و ارزیابی‌های جامعه‌شناسی و پایش‌های میدانی برای کشف ارزش‌های بافت‌ها و کمبودهایش وجود دارد. همچنین موضوعاتی که باید به عنوان مأموریت معمارانه، آنجا اتفاق بیفتد روشن است؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که کار طراحی را در نهایت معمار بر عهده ندارد. کسانی که طراحی کرده‌اند، فاقد اندیشه معمارانه بوده‌اند. در این حالت نمی‌توان انتظار داشت که آن ارزش‌ها، با وجود تخصیص بودجه، در فرایند طراحی مدنظر باشند. به نظر من ابعاد پروژه مهم نیست. ممکن است شما از

• **یک بنای نوساز در بافت تاریخی چه طور می‌تواند خلاقانه و متناسب با نیازهای زندگی شهری باشد و در عین حال به زمینه‌ای که در آن قرار گرفته احترام بگذارد؟**

به نظر من پاسخ به این سوال، به تلقی معمار از وظیفه‌ای که در آن محدوده جغرافیایی یا بخشی از بافت تاریخی به او محول می‌شود، بستگی دارد. بدیهی است که هر معمار مکلف است به شرایط اقلیمی، دسترسی، مورفولوژی زمین، مجاورت‌ها (از نظر ترکیب سازمان فضایی ساختمان جدید با سایر عناصر مجاور)، شکل و فرم توجه کند. هنگام اعمال سلیقه، معمار می‌تواند از میان یک طیف متضاد و یک طیف هارمونیک، رویکرد متناسب را انتخاب کند و از طریق ایجاد کنتراست، یک تأثیر فرمال ایمپرسیو در محیط بگذارد. هر دو نوع ورود به موضوع، مستلزم قدرت خلاقیت و توانایی‌های معمار در تکوین ایده است. ممکن است گروهی با ایده توجه به هارمونی و هماهنگی فرمال با محیط، به صورت ضعیفی وارد قضیه شوند؛ به طوری که در ذهن آن‌ها ارزش‌های محیط غلبه داشته باشد و آن‌ها نتوانند هیچ خلاقیتی به کار ببرند. در این دیدگاه، کار به سمت عناصر تزئینی یا شباهت‌های مصالح و ... می‌رود. من معمارها را در این دو گروه دسته‌بندی می‌کنم.

بنابراین چنانچه من با ملاحظه محیط پیرامون کار کنم، از تکرار پرهیز کرده و جوهر معماری را پیدا می‌کنم. یکی از ویژگی‌هایی که من در معماری بافت‌های تاریخی می‌بینم، اسرارآمیز بودن آن‌هاست؛ به این معنی که معماری در آن فضاها، شفاف نیست. شما باید وارد معماری شوید و به تدریج سلسله‌مراتب و لایه‌های پنهان آن را کشف کنید. من به دنبال کاری می‌روم که به صورت سطحی شباهتی با آن‌ها نداشته باشد؛ اصالت خودش را داشته باشد؛ کاری معاصر باشد؛ اما آن خاطره را تداعی کند. یکی از وجوهی که باید در بافت‌های باارزش تاریخی مدنظر قرارگیرد، وجه فرمال موضوع است. منطبق کردن پلان ساختمان‌های سنتی با درجه آسایش و عملکرد ساختمان؛